سه گام در مبنای اشتراک افق در تاریخ فقه

- الف) مبنای مشهور در اشتراک افق؛ دخالت طول جغرافیایی در رؤیت پذیری
- ب) اشتراک افق در منظر آیتالله سیستانی؛ دخالت طول و عرض جغرافیایی در رؤیت پذیری
- ج) دخالت عرض سماوی قمر در رؤیت پذیری؛ تطبیق آن با نقشه رؤیت پذیری جمادی الاولی ۱۴۴۶

الف) مبانی مشهور در اشتراک افق؛ دخالت طول جغرافیایی در رؤیت پذیری

(6:44)

این اشتراک افق سه مرحله دارد. سه گام دارد. آن چه که قدیم مطرح بود و بعداً در قرن چهاردهم داغ شد، مرحله اولش است. مرحله دومش تغییر فتوای حاج آقای سیستانی است. قبلاً فتوایشان بود و تغییر کرد. خودشان هم توضیح دادهاند. مرحله سومش همین هلال ماه ما است که میخواهم توضیح بدهم.

شاگرد: فتوای آقای خوئی یا آقای سیستانی؟

استاد: فتوای آقای خوئی که عوض نشد. ایشان از اول گفتند که اشتراک افق را شرط نمیدانم.

شاگرد۲: آقای سیستانی اول مثل آقای خوئی بودند و بعد برگشتند؟

استاد: نه، اول مشهور را میگفتند. در تبدیل فتوا، اضافه بر مشهور گفتند. یعنی تغییر فتوایشان طوری بود که از مشهور فاصله گرفتند. حالا توضیح آن را عرض میکنم. من مثالهای بیرونی را بزنم تا تفاوت در اشتراک در ذهن شریفتان بیاید. ببینید مشکلی که ما از قدیم در اشتراک افق در فقه داشتیم و فقها هم فرمودهاند و تا قرن چهاردهم آمد، این بود: بلدی هستند که چون اشتراک افق ندارند، وقت غروب آن شهر، هلال از تحتالشعاع بیرون آمده، ندارید. اصلاً هلال از تحتالشعاع بیرون نیامده. ما در قم هستیم و وقت غروب ما است، به افق نگاه میکنیم و میبینیم هلال نیست. چرا آن را نمیبینیم؟ چون اصلاً از تحتالشعاع بیرون نیامده. یک ساعت بعد در نجف به افق نگاه میکنند و آن را میبینند. چرا میبینند؟ چون غروب آنها یک ساعت بعد از ما است. در این یک ساعت قمر از تحتالشعاع بیرون آمده. خب به چه مجوزی شما میگویید وقتی در قم هلال بیرون آمده از تحتالشعاع نداشتیم، باید همراه نجف و بغداد بشویم؟! آنها بلاد غربی هستند و برای خودشان است. بلد غربی یک ساعت بعد از ما، در افق آنها هلال از تحتالشعاع بیرون آمده و آن را میبینند، خب فردا را عید بگیرند. فرض ما در قم این است، اهل فن میگویند، چشم میگوید، که ما وقت غروب در قم هلال نداشتیم. چون از تحتالشعاع بیرون نیامده. این مرحله اول بحث اشتراک افق است. مشهور میگفتند اشتراک افق شرط است. یعنی رویت در بلد غربی با یک ساعت، دو ساعت، چهار ساعت فاصله برای بلد شرقی کفایت نمیکند. ما اگر در قم هلال را ببینیم در کابل کفایت نمیکند. چون کابل یک ساعت قبل از ما غروب کرده، در همین فاصله قمر از تحتالشعاع بیرون آمده و محاسبه اش هم معلوم است. نیم ساعت بعد از غروب کابل، تازه هلال از تحتالشعاع بیرون آمده و ما در قم میبینیم و آنها نمیبینند. پس این مرحله اول اشتراک در افق است. یعنی اشتراک افق میگوید اگر افق مشترک نباشد، شما در شرق هستید و هلال از تحتالشعاع برای شما بیرون نیامده بود ولی در غرب شما بیرون آمده، برای شما کفایت نمیکند. اشتراط شرط است.

داشگر: این برای مرحله دوم است، مرحله اول که اصالً شرق و غرب ندارند. مطلقاً اگر در یک شهری ببینند، از شهر دیگر کفایت نمی‌کند. غرب و شرق هم در اواخر قرن ششم نبوده. می‌گویند رویت مهم است. هر شهری حکم رویت خودش را دارد.

استاد: فقهای بزرگی که دنبال آن عبارات گفته اند، از آن‌ها می‌فهمیم که فهم فقهای بزرگ از عبارات فقهای پیشین هم همین بوده. ولذا روایت یقطینی که می‌گفت ما در بغداد هستیم و هلال نداریم، اما «قوم من حُسّاب» و یک عده‌ای از اهل حساب هستند که می‌گویند درست است که شما در بغداد هلال ندارید اما همین امشب در مغرب و در اندلس و در الجزائر هلال دارند. سه-چهار شهر را گفت؛ اندلس، مصر، افریقی. گفت در آن جا می‌بینند. خود این روایت کاشف از این است که مطلب مطرح بوده؛ غرب و شرق. لذا وقتی می‌گفتند اگر شما ندیدید، یعنی چون شرقی هستید ندیدید. اگر در بلاد غربی شما دیدن فایده‌ای ندارد. آن هایی که اشتراک را شرط می‌دانستند. آن هایی که شرط نمی‌دانستند، از قدیم می‌گفتند اگر شما نداشتید ولی همین امشب در اسپانیا و افریقا دیدند، برای شما هم کافی است. این مرحله اول بود.

با این مرحله، آلآن بلادی که در طول جغرافیایی با هم شریک هستند؛ یعنی نصف النهار همه آن‌ها یکی است و نماز ظهر را با هم می‌خوانند. حال این بلاد دیگر شرقی و غربی نیست. شرقی و غربی، آن هایی است که از طولش بیشتر است شرقی می‌شود، اگر طولش کمتر است غربی می‌شود. این برای اشتراک در مرحله اول است. اما عرض جغرافیایی دخالت دارد یا ندارد؟ در همین خوج از تحت‌الشعاع دخالت دارد. خیلی ساده؛ ما آلآن در قم هستیم، در غروب قم، در ساعت پنج و نیم هلال را می‌بینیم، در عرض شمالی ما بروید؛ مثلاً مسکو؛ اصلاً ظهرشان با ما یکی است. نصف النهار ما با نصف النهاری که عرض شمالی زیادی دارند، ظهرمان یکی است. نصف النهارمان هم یکی است. خب حالا که نصف النهار ما یکی است، در قم همین امروز هلال را دیدیم که از تحت‌الشعاع بیرون آمده، آیا برای آن‌ها هم بیرون آمده و این کافی است یا نه؟ مثلاً در همین دی ماه و آذرماه، این خوج برای آن‌ها کافی است یا نه؟ همین مشکلی که آلآن گفتم در اینجا هم مطرح است. چرا؟ چون درست است که ظهرمان با مسکو یکی است؛ در طول و نصف النهار مساوی هستند، اما چون عرض متفاوت دارد، طلوع و غروب آن‌ها فرق می‌کند. ما در ساعت پنج و نیم در قم هلال داریم، اما در مسکو در ساعت سه و نیم غروب شده. چهار بعد از ظهر غروب کرده؛ و روی محاسبه دقیقاً می‌دانیم وقتی در ساعت چهار داشت غروب می‌کرد، در افق خودشان اصلاً هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده. پس یک جور اشتراک افق با آن‌ها داریم، چون طولمان یکی است؛ نصف النهارمان یکی است. اما چون عرض آن‌ها زیادتر از ما است، چون غروب آن‌ها جلوتر است، آن‌ها هلال ندارند. یعنی گویا مالکی که در شرقی و غربی داشتیم و گفتیم طلوع ها تفاوت می‌کرد، فاصله زمانی سبب می‌شد که وقت غروب او هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده باشد، این مالک در اینجا هم هست. در نصف النهار یکی هستند ولی غروب آن‌ها فرق دارد. یک ساعت، یک ساعت و نیم قبل غروب شده، در همین فاصله ماه در قم از تحت‌الشعاع بیرون آمد لذا ما هلال داریم و آن‌ها ندارند. پس در اینجا هم می‌گوییم ولو با ما شریک هستند اما امشب شب اول ماهشان نیست. چون در وقت غروبشان هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده. تا اینجا مرحله اول بحث بود. اشتراک افق به این معنا که افق‌های مشترک کجا هستند؟ وقتی در یک افق دیدیم، در افق مشترک ما هم در وقت غروبش باید قمر از تحت‌الشعاع بیرون آمده باشد. این می‌زان اشتراک افق در مرحله اول است. لذا مشهور طبق فتوای خودشان که اشتراک افق را شرط می‌دانستند، باز این را قبول داشتند که رویت در بلد شرقی «یکفی للبلاد الغربیة». وقتی شما در بلاد شرقی و کابل دیدید، برای قم هم کافی است. برای اصفهان کافی است؛ ببینند یا نبینند. این فتوای مشهور است. چرا؟ چون در بلد شرقی دیده شد. در شرق از تحت‌الشعاع بیرون آمده، لذا دیگر هلال داریم. این کافی است. مشهور این را می‌گویند. خب چرا آلآن در عرض شمالی قبول نکردید؟ چون غروب آن‌ها زودتر بود و هلال نداشتند. مشکل این بود که در وقت غروب هلال نداشتند.

ب) اشتراک افق در منظر آیت‌الله سیستانی؛ دخالت طول و عرض جغرافیایی در رؤیت پذیری

(16:39)

خب در اسئلة [حول رؤیة الهلال، مطلبی] فرموده اند که باید نکته‌ای را تذکر بدهم. حاج آقای سیستانی قبلاً همین حرف مشهور را داشتند -نه حرف استادشان- و به این تتمه هم تصریح داشتند؛ همان حرف مشهور که می‌گفتند «الرویة فی البلاد المشرقیة یکفی للبلاد الغربیة»؛ چون از تحت‌الشعاع بیرون آمده، وقتی بیرون آمده چه مشکلی هست؟! بعد به یک چیزی برخورد کردند و فتوایشان عوض شد. یک اضافه‌ای زدند؛ آن اضافه مهم است. این گام دوم اشتراک افق است. می‌فرمایند: با اینکه هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده، و در بلد شرقی هم دیدند اما باز ممکن است یک بلد غربی باشد که دیده نشود. چون عرض جغرافیایی بلد غربی طوری است که ارتفاع هلال از افق به قدری پایین است که اصلاً در آن جا هلال را نمی‌بینند؛ حتی با تلسکوپ. مثل غروب مسکو یک ساعت و نیم قبل از ما است. حالا در مثال ایشان به قم می‌آیی که در وقت غروب هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده ساعت پنج و نیم و آن را دیدیم. اما غروب لندن متأخر از ما است. خیلی هم متأخر است. نه اینکه غروب آن‌ها زودتر باشد. غروبشان بعد از ما است. چون غروبشان بعد از ما است، مثلاً فرض بگیری ساعت هفت شب ِما آن جا دارد غروب می‌کند؛ ما [ساعت] پنج و نیم هلال را دیدیم؛ ساعت هفت شب ِما که آن جا دارد غروب می‌کند، هلال دارند یا ندارند؟ هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده، ما که دو ساعت قبلش دیدیم. هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده اما چون عرض جغرافیایی آن‌ها خیلی شمالی است، ارتفاع هلال اندازه‌ای نیست که آن را ببینند ولو با تلسکوپ. و لذا فتوای ایشان عوض شد و فرمودند عرض جغرافیایی هم دخیل است. ولو در شرق دیدید، اما چون عرض لندن بالا است ولو غروبش بعد از ما است، درعین‌حال کافی نیست. امشب شب اول ماه برای لندن نیست، چون در آن جا نمی‌بینند. حالا تلسکوپ را که قبول ندارند. من می‌خواهم عرض کنم حتی با تلسکوپ هم دیده نمی‌شود.

شاگرد: چون ارتفاع هلال پایین است.

استاد: بله، ایشان هم می‌گویند باید هلال را ببینیم؛ میقات ناس است و مردم آن بلد باید ببینند. این‌ها نمی‌بینند؛ ممکن است اصلاً با تلسکوپ هم نبینند. بگویید خب از تحت‌الشعاع بیرون آمده! می‌گویند ما این حرف‌ها سرمان نمی‌شود که بیرون آمده یا نیامده، آن مالک اوّلی بود. خودشان هم می‌گویند که فتوای ما سال‌ها همین بود. یعنی چون به این نظر داشتیم که وقتی در شرق هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده، می‌گفتیم برای غرب هم کافی است. اما الآن می‌گوییم صرف اهلال ِهلال که می‌زان نشد، باید در بلد ببینند؛ به‌خاطر میقات در مبنای خودشان

می‌گوینـد پس با اینکه علم داریم در وقت غروب لندن هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده و در شرق لندن، دو ساعت قبلش هم دیده‌اند ولی چون امکانیت رویت هلال در افق لندن نیست، کافی نیست. این تغییری فتوای ایشان بود.

شاگرد: دقیقاً مثل همین ماه است.

استاد: نه. اصلاً برای این مطرح کردم که هلال دیشب و پریشب چیز سومی است.

جلوتر عرض کرده بودم، صاحب هیوایات فقهیه در کتابشان استدراک آورده بودند؛ وقتی برای ایشان در اسئلة تغییری فتوا آمد، در صدد آمدند تا با مراسله حل کنند، جواب بدهند و نگذارند این فتوای جدید بماسد. حتی در سؤال و جوابی که در سایتشان آمده، طرف می‌گوید: خب دراین‌صورت گاهی تفاوت در کره زمین به سه روز می‌رسد! می‌گویند: معلوم نیست برسد اما اگر هم رسید ثم ماذا؟! بشود! وقتی نوعی شد، در کره زمین سه تا اول ماه داریم؛ مشکلی ندارید.

شاگرد: در روایت دارد «اذا رایتم الهلال فصوموا»، لذا به دقائق علمی نیازی نیست. درآن زمان که تلسکوپ نبوده. موضوع دیدن است؛ اگر دیدی روزه بگیر و اگر ندیدی نگیر.

استاد: البته راجع به اینکه روایات «صم للرویه» موضوعیت دارد یا نه، امروز دیدم که جلسه دویست و شصت و پنجم است. دویست و شصت و پنج جلسه راجع به رؤیت هلال بحث کردیم. بخشی از این جلسات راجع به این بحث شد که «صم للرویه» استصحاب است یا موضوعیت است. مفصل کلمات علماء را بحث کردیم. اینجا خیلی مهم بود. این جلسه دویست و شصت و پنجم خلاصه همه مباحث ما است. اگر این هایی که امروز عرض می‌کنم در ذهنتان واضح نشود، آن چه که مقصود من از این مباحثه بوده را نرسیده ایم. لذا دیدم که هم مناسبت ماه دیشب است و هم بحث علمی را پیش می‌برد و هم خلاصه همه آن بحث‌ها است.

شاگرد۲: بالأخره محصل فتوای آیت‌الله سیستانی چه شد؟ اتحاد افق را به چه بیانی شرح کرده‌اند؟

استاد: ایشان می‌گویند باید طوری باشد که وقت غروب این بلد، هلال داشته باشیم. هلال قابل رؤیت، نه هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده. هلال قابل رؤیت در این بلد داشته باشیم و ببینند. خب اشتراک افق یعنی چه؟ یعنی برای هر شهر دیگری هم که مثل ما در این لحظه غروب، هلال قابل رؤیت مثل ما دارند ثابت است.

شاگرد: پس اشتراک افق چه کاره است؟

استاد: ایشان شرط می‌دانند.

شاگرد: اگر باز امکان رؤیت با چشم عادی باشد، این امکانش به چه صورت محقق می‌شود؟

شاگرد۲: مثلاً ابر باشد.

شاگرد: صرف وجودش ملاک است؟ یا ... .

استاد: نه، امکانیت. قبلاً بحث‌هایش شده است. می‌گویند حتی با اینکه بلد غربی است، اما حتی با تلسکوپ، هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده‌ای که در بالای شرقی دو ساعت قبل آن را دیده‌اند، اما در بلد غربی نمی‌توانند همین هلال را ببینند. چرا؟ چون عرض جغرافیایی زیاد است. ارتفاع هلال کم است.

شاگرد: اگر با تلسکوپ در بلد غربی دیده شد، مشکلی نیست؟

استاد: نه، ایشان می‌گویند اگر در لندن با تلسکوپ دیده شود باز ما قبول نداریم. بحث را باز می‌کنند. ایشان می‌گویند چون تلسکوپ را قبول نداریم، در قم که با چشم عادی دیدند، در لندن فقط با تلسکوپ می‌بینند، نزد ایشان باز مجزی نیست. ولی من می‌خواهم بگویم حتی فرض دارد که با تلسکوپ هم نبینند.

ج) دخالت عرض سمای قمر در رؤیت پذیری؛ تطبیق آن با نقشه رؤیت پذیری جمادی الاولی ۱۴۴۶

(25:25)

خب این گام دوم بود؛ اینجا چه شد؟ در گام اول، اشتراک افق شرط بود. چرا؟ چون افق سبب می‌شد که در یک جا هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده باشد و نبیند، اما دیگری از تحت‌الشعاع بیرون آمده بود. گام دومی که سبب تغییر فتوای ایشان شد، چه بود؟ این فرض که ولو هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده اما عرض جغرافیایی بلد نمی‌گذارد که آن را ببینند. جغرافیا برای زمین است؛ «Geography»؛ گرافی زمین. «Geo» لغت یونانی است؛ حتی الفهرست ابن ندیم هم دارد. این جور یادم هست که ابن ندیم در الفهرست داشت که «جیومتریا». یعنی اندازه یک هندسه را، ما می‌گوییم هندسهٔ الارض، اندازه‌گیری زمین. آن‌ها می‌گفتند جیومتری؛ یعنی اندازه‌گیری زمین. جی در لغت یونانی به‌معنای زمین است. من احتمال می‌دهم «جا» و «جی» دراشتقاقات خیلی نزدیک هم هستند؛ با اندک چیزهای جالب. حتی یونانی‌ها جا هم می‌گویند. «جا» و «جی» به‌معنای زمین است؛ گستر، خاک، بر و بحر، ارض. هر کدام از این‌ها عنایاتی دارد.

حال ببینید عرض جغرافیا؛ وقتی می‌گوییم جغرافیا یعنی با زمینی کار داریم که روی کره زمین چسبیده و برای خودش عرض و طول دارد. این عرض نمی‌گذارد که هلال پایینی را ببینیم. پس در تبدیل فتوای ایشان، آن چه که باید مد نظر قرار بدهیم و دخالت می‌کند، عرض جغرافیایی است.

خب هلال دیشب که وقتاتان را گرفتم به این صورت است؛ با این توضیحاتی که دادم هلال دیشب اصالً ربطی به این ندارد که در قم ببینیم و بعداً در لندن غروب کند، که عرض لندن زیاد است. یک رؤیت هایی داریم که مربوط به عرض جغرافیایی زمین نیست. بلکه به عرض سمای قمر مربوط است. اصالً ربطی به عرض جغرافیایی بلاد ندارد. عرض سمای قمر وقتی در یک چیز دخالت می‌کند، تفاوت می‌کند با اینکه عرض جغرافیایی خود بلد برای آن چیزی را تعیین کند.

شاگرد: مراداتان از عرض سمای چیست؟

استاد: خب توضیحات این جلسه؛ حال برگردیم به آن چه که گفتم. دیشب هلال به چه صورت بوده؟ غروب جمعه ساعت چهار و بیست دقیقه مقارنه بوده. غروب شنبه (پری روز) یک شبانه‌روز از مقارنه گذشته بود. بیست و پنج ساعت گذشته بود. ولی در تمام ایران و عربستان حتی با تلسکوپ ندیده بودند. بیست و پنج ساعت عمر هلال را ندیده بودند! خب دیشب دیده‌اند؛ امروز هم روز اول ماه می‌شود. دیشبی که دیدند، عمر هلال چقدر بوده؟ عمر هلال بیشتر از دو شبانه‌روز بوده؛

حدوداً چهل و نه ساعت عمر هلال بوده که دیده شده. چرا به این صورت است؟ حالا نقشه را ببینید. نقشه در همه جا هست. در کانال‌ها، در سایت‌ها. فوری سهمی ای که برایم عرض کرده‌ام جلوی چشمتان می‌آید. اینکه عرض کردم جلسه دویست و شصت و پنج را به‌خاطر داشته باشید، برای این است که بعداً اگر از این شکل سهمی سر در نیاوردی و این مطالبی که بحث کردیم را نتوانستید به‌راحتی روی آن پیاده کنید، مباحثه ما به آن مقصودی که داشتیم نرسیده است. الآن هم اگر می‌بینید ذهن شریفتان کند است، حتماً وقت بگذارید تا این شکل سهمی را روی معیار ایلوپ بررسی کنید. آقای احمد عوده دقائقی که منظور ما است را نمی‌آورد؛ پارامترها را کمتر گرفته است. در کانال‌های ایتا که نوعاً گزارش هلال می‌دهند، نوعاً هم از ایلوپ می‌آورند که خوب هم هست.

در صفحه‌ای که می‌بینید پنج چیز هست اما چهارتا از آن‌ها نمود دارد. شما حتماً باید در عکس این سهمی این پنج چیز را در نظر بگیرید. دو تا نمودش روشن است؛ یکی خط‌های عمودی است که نصف النهار بالا است. مبیّن طول بلد است؛ خط‌های عمودی در این عکس مبین طول بلد هستند و نصف النهار هستند. یکی هم خط‌های عرضی هستند؛ این‌ها برای عرض بلد هستند تا دون درجه می‌روند؛ عرض شمالی و عرض جنوبی. این دو روشن هستند؛ دو پارامتری هستند که طول و عرض جغرافیای را تعیین می‌کند. یعنی روی سطح زمین برای بلد دارد کار را تعیین می‌کند.

دو تا چیز دیگری را گذاشته که آن‌ها هم خیلی خوب است. اولی سن هلال است که با رنگ نشان می‌دهد. از یک ساعت تا پنج ساعت. ظاهراً زیر پانزده ساعت را نیاورده است. از پانزده ساعت تا بیست ساعت مثلاً زرد است. از بیست ساعت تا بیست و پنج ساعت مثلاً نارنجی است. از بیست و پنج ساعت تا سی ساعت همینطور جلو می‌رود و تا چهل ساعت را آورده است.

شاگرد: ساعت‌ها را کجا نوشته؟

استاد: همان پایین دست راست.

شاگرد۲: از شروع مقارنه می‌گیرند؟

استاد: از شروع مقارنه می‌گیرد تا جایی که زرد شروع می‌شود. زرد بعد از پانزده ساعت است. وقتی منزل تشریف بردید حتماً این‌ها را نگاه کنید. بسیار مهم است. تا این تصویر در ذهنتان باز نشود، مقصودی که از این بحث‌ها می‌خواستیم نتیجه ندارد.

بنابراین با رنگ سن هلال را که از مقارنه گذشته نشان می‌دهند. اگر می‌بینید در محدوده زرد هستید، بدانید که بین پانزده تا بیست ساعت از عمر هلال گذشت است. اگر طرف راست زرد هستید، پانزده ساعت گذشته. اگر طرف چپ زرد هستید، بیست ساعت گذشته است. اگر طرف راست رنگ صورتی هستید، شروع بیست ساعت است. اگر طرف چپش است بیست و پنج ساعت گذشته است. رنگ‌ها دارد ساعت و سن هلال را از مقارنه نشان می‌دهد. اینکه رنگ را به کار برده خیلی خوب است؛ آدم فوری می‌فهمد که هر جایی سن هلال چقدر است. از مقارنه چقدر گذشته است.

چهارمی آن، سهمی است که بسیار مهم است. اصلاً این را برای همین آورده است. سهمی برای چیست؟ برای شرائط رؤیت پذیری هلال است. سهمی‌ای با چهار لایه است. لایه رویی فقط با تلسکوپ می‌توان دید. لایه بعدی با تلسکوپ حتماً باید آن را پیدا کنید ولی محال نیست که با چشم هم آن را ببینید؛ حدید البصر که باشید بعد از اینکه با تلسکوپ پیدا کردید می‌توانید در لایه دوم آن را ببینید. لایه سوم، این است که اگر شرائط خوب باشد آن را می‌بینید. لایه چهارم دیگر همه به‌وضوح آن را می‌بینند؛ همین که چشم در افق می‌افتد آن را می‌بینید؛ شب اول ماه هم هست. این آن جور وقتی است؛ یعنی هلال در لایه چهارم است. پس لایه‌های سهمی هم پارامترهایی در این عکس است که باید به‌عنوان چهارمین امر در نظر بگیرید. سهمی‌ای است که لایه لایه است؛ وسطش پر رنگ است؛ آن جا به‌راحتی می‌بینند. لایه بعدی اگر

شرائط خوب باشد می‌بینند. لایه بعدی با تلسکوپ باید آن را پیدا کنید و بعد آن را ببینید. آخرین لایه که روی سر سه‌می است فقط با تلسکوپ دیده می‌شود.

حال ما یک چیز پنجمی داریم که به بحث ما مربوط می‌شود. بیشتر به گام سوم مربوط می‌شود؛ امر پنجم چیزی است که از رنگ‌ها حاصل شده؛ در این شکل، ساعت‌ها سن هلال را رنگ‌آمیزی کرده؛ یعنی گفته وقت غروب بلد سن هلال چقدر است. نه فقط سن هلال، بلکه در وقت غروب. پس تلفیقی است از سن هلال با غروب بلد. حاصل شدِ این دو، مطلب خیلی نافعی شده؛ خط غروب. خط غروب یعنی یک خطی که نه ربطی به نصف‌النهار و طول جغرافیایی دارد و نه ربطی به عرض جغرافیایی دارد؛ بلکه ربط به این دارد که چه زمانی است؛ زمستان است؟ تابستان است؟ کدام یک از فصول است؟ میل خورشید... . این همه ربطی به بالا ندارد؛ به کل نیم کره شمالی و جنوبی ربط دارد. نیم کره شمالی و جنوبی جغرافیایی نیست که بگویید طول و عرض جغرافیایی. طول و عرض قمر دخالت دارد. قمر اگر در عرض جنوبی است، یعنی زیر استوا است، هر چه رؤیت هلال هست در نیم کره راحت است اما در نیم کره شمالی آن را نمی‌بینند. اگر عرض شمالی است، برعکس است؛ آنها خوب نمی‌بینند و اینها می‌بینند. بنابراین در هلال دیشب چرا مجبور بودیم دو شبانه‌روز صبر کنیم تا به‌وضوح دیشب آن را ببینیم؟ چرا شب یک شنبه حتی با تلسکوپ ندیدیم؟ تمام نیم کره شمالی ندیدند. چرا؟ چون عرض قمر جنوبی بود. عرض جغرافیایی نیست؛ عرض قمر در اینجا برای کل، جنوبی است. احتمال می‌دهم صاحب هوایات وقتی رفتند فتوای حاج آقای سیستانی را عوض کنند، در رفت‌وبرگشت و جواب، یک دفعه در کتاب‌شان «استدراک» نوشتند. یعنی فتوای من عوض شد. چندبار عرض کردم؛ چه گفتند که فتوایشان عوض شد؟ گفتند وقتی در مراسلات با حاج آقای سیستانی رفت‌وبرگشت کردیم و تدقیق کردیم، به‌شدت در هوایات مدافع قول مشهور بودم که اشتراک افق شرط است، اما در رفت‌وبرگشت‌ها برایم واضح شد که اشتراک افق شرط نیست. این خیلی جالب است. یک کسی که محکم مدافع این بوده، برگردد. چرا؟ چون رفتند نگاه کردند.

ماه دیشب همین کار را با شما می‌کند، اگر تأمل کنید. برای این مطرح کردم. اگر نقشه را خوب دقت کنید وخصوصیات را ببینید، مجموع مطالب را در نظر بگیرید، بعد می‌بینید آیا باز هم باید اشتراک افق را بگوییم؟! من شروعش را عرض می‌کنم تا ملش با خودتان. لذا گفتم این جلسه مهم است.